

اثر رابطه بین تمرکز مالکیت و درصد مالکیت سهامداران اقلیت با هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

فائزه خدابنده^۱

بهار دستاران^۲

چکیده

این پژوهش به اثر ارتباط بین تمرکز مالکیت و درصد مالکیت سهامداران اقلیت با هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران در دوره پنج ساله ۱۳۸۷ الی ۱۳۹۱ می‌باشد، و به این سوال پاسخ می‌دهد که آیا بین سهامداران نهادی بخش دولتی و هموارسازی سود ارتباط معناداری وجود دارد یا خیر؟ بر این اساس، درصد مالکیت سهامداران نهادی دولتی به عنوان متغیر مستقل و هموارسازی سود به عنوان متغیر وابسته تعیین شده است؛ در این پژوهش نمونه آماری شامل ۷۵ شرکت می‌باشد که به منظور آزمون فرضیات از ضریب همبستگی با استفاده از نرم‌افزار spss استفاده خواهد شد؛ نتایج فرضیات این تحقیق نشان داد که بین تمرکز مالکیت و هموارسازی سود رابطه معنی‌داری وجود ندارد و بین نسبت درصد سهامداران اقلیت اعم از دولتی و خصوصی با هموارسازی سود رابطه معنی‌داری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: ساختار مالکیت، تمرکز مالکیت، سهامداران اقلیت، هموارسازی سود.

۱. faezehkhodabandeh@yahoo.com

۱. کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه پیام نور واحد قشم

۲. m.dastaran101@gmail.com

۲. کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه کردستان

۱. مقدمه

ساختار مالکیت از طریق مالکیت سهام، تأثیر چشمگیری بر روش کنترل شرکت‌ها دارد. بدین ترتیب، مالکان اداره شرکت‌ها را به مدیران تفویض کردند و بازارهای بورس اوراق بهادار شکل گرفت. یکی از ابزارهای تخصیص بهینه منابع، بازارهای اوراق بهادار می‌باشد، لذا هر مشکلی که در بازار مذکور بوجود آید، تنها مسئله اقتصادی نیست بلکه به مسئله اجتماعی مبدل می‌شود که در آن منافع عمومی جامعه به خطر خواهد افتاد، که برای حل و فصل مشکل مذکور، یکی از مفاهیم با اهمیت مطرح شده در دو دهه اخیر، مفهوم ساختار مالکیت است. دو دیدگاه نظری عمده شامل تئوری نمایندگی و تئوری ذینفعان در این مورد مطرح است که هر یک از آنها به صورت متفاوت به موضوع ساختار مالکیت می‌نگرند، تئوری نمایندگی به مشکل کارگزار و کارگمار و تئوری ذینفعان، به مشکل کارگزار و ذینفعان می‌نگرد (حساس یگانه ۱۳۹۲).

در تئوری نمایندگی هدف مالکان حداکثرسازی ثروت می‌باشد و سود خالص نیز یکی از اقلام مندرج در صورت‌های مالی است که در تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی تأثیر بسزایی دارد و توجه زیادی را معطوف خود ساخته است. یکی از گروه‌های اصلی استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی سهامداران می‌باشند؛ از این رو عموماً این گونه تصور می‌شود که ساختار مالکیت شرکت‌ها ممکن است به تغییر رفتار شرکت‌ها منجر شود (ولری و جنکینس^۲، ۲۰۱۲).

سود گزارش شده از جمله اطلاعات مالی مهمی است که در هنگام تصمیم‌گیری توسط افراد در نظر گرفته می‌شود. تحلیل‌گران مالی عموماً سود گزارش شده را به عنوان یک عامل برجسته در بررسی‌ها و قضاوت‌های خود بر اطلاعات مالی مندرج در صورت‌های مالی واحدهای اقتصادی خصوصاً سود گزارش شده اتکا می‌کنند.

سرمایه‌گذاران معتقدند سود ثابت در مقایسه با سود دارای نوسان، پرداخت سود تقسیمی بالاتری را تضمین می‌کند. هم‌چنین نوسانات سود به عنوان معیار مهم ریسک کلی شرکت قلمداد می‌شود و شرکت‌های دارای سود هموارتر دارای ریسک کمتری می‌باشند. بنابراین شرکت‌هایی که دارای سود همواری هستند بیشتر مورد علاقه سرمایه‌گذاران بوده و از نظر آن‌ها محل مناسب‌تری برای سرمایه‌گذاری محسوب می‌شوند (هندریکسن^۳، ۲۰۱۲: ۳۷۸).

ویلد^۴ و همکاران (۲۰۱۳) بیان کردند، که سرمایه‌گذاران به‌طور عام به رقم سود توجه ویژه‌ای دارند، آن‌ها سودهای بدون نوسان و یا کم نوسان را با کیفیت‌تر تلقی می‌کنند، به عبارت دیگر آن‌ها حاضرند در شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که روند سود آن‌ها دارای ثبات بیشتری است. بنابراین

سودهای گزارش شده، همواره به عنوان یکی از معیارهای تصمیم‌گیری مالی، دارای اعتبار ویژه‌ای است و اغلب تحلیل‌گران مالی سود را به عنوان یک عامل اساسی در بررسی‌ها و قضاوت خود مدنظر قرار می‌دهند. مدیران انگیزه قوی دارند که سود را مدیریت کنند و سعی می‌کنند در فرآیند تعیین سود دخالت کنند، تا رقم سود در راستای اهداف دلخواه آن‌ها گزارش شود. از آنجایی که امنیت شغلی مدیران در نتیجه ارائه تصویر مطلوب از عملکرد شرکت در دوره جاری و دوره آتی می‌باشد، بسیاری از مدیران در صورت عدم موفقیت در عملکرد مطلوب شرکت در دوره جاری و یا پیش‌بینی عدم موفقیت در دوره آتی با ریسک برکناری از کار مواجه بوده و به همین دلیل دست به هموارسازی سود می‌زنند، به عنوان مثال شرکت بزرگ آمریکایی انرون که با این تقلب بزرگ منجر به فروپاشی آن شد (یعقوبی، ۱۳۹۰).

از بین ساختار مالکیت می‌توان توجه بیشتری به تمرکز مالکیت و درصد مالکیت سهامداران اقلیت نمود و در این تحقیق با هدف بررسی و یافتن جواب سوال‌های زیر طرح شده است:
 آیا بین تمرکز مالکیت و هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ارتباط معناداری وجود دارد یا خیر؟
 آیا بین درصد مالکیت سهامداران اقلیت و هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ارتباط معناداری وجود دارد یا خیر؟

۲. مبانی نظری و ادبیات تحقیق

۱.۲. پیشینه داخلی پژوهش

مشایخی و همکاران (۱۳۹۱) اقلام تعدی اختیاری را به عنوان عاملی برای مدیریت سود شرکت‌ها به خصوص هنگام کاهش وجه نقد حاصل از عملیات که بیانگر عملکرد ضعیف واحد تجاری بوده است، در نظر گرفته شده است. به عبارت دیگر وجه نقد حاصل از عملیات و اقلام تعهدی اختیاری رابطه معکوسی را به شکل معنی‌داری از خود به نمایش می‌گذارد.
 مراد زاده‌فرد و همکاران (۱۳۹۰) به این نتیجه رسیدند که بین سطح مالکیت نهادی سهام و مدیریت سود رابطه منفی وجود دارد، لذا سهامداران نهادی نقش نظارتی فعالی بر تصمیمات شرکت در مورد مدیریت سود اعمال می‌کنند. همچنین با افزایش درصد مالکیت نهادی سهام، انعطاف‌پذیری شرکت جهت مدیریت سود اقلام تعهدی کاهش می‌یابد و سهامداران نهادی کیفیت حاکمیت شرکتی را در شرکت‌های سرمایه‌پذیر بهبود می‌بخشند.

مهرانی و قربانی (۱۳۹۰) به بررسی اثر سهامداران نهادی بر مدیریت سود در بین ۹۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان داد که رابطه معناداری بین مدیریت سود و سهامداران نهادی در شرکت‌های با جریان‌های نقد آزاد و رشد کم وجود ندارد.

احمدپور و همکاران (۱۳۹۱) با استفاده از اطلاعات ۱۸۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۵ به این نتیجه رسیدند که وقتی انگیزه برای دستکاری سود بالاست مدیران غیرموظف و سرمایه‌گذاران نهادی عمده نقش ضعیفی در کاهش ناهنجاری اقلام تعهدی غیر عادی دارند.

یحیی حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی رابطه بین سرمایه‌گذاران نهادی و ارزش شرکت پرداختند. در این تحقیق برای آزمون ارتباط بین شرکت و مالکیت نهادی از رگرسیون خطی چندگانه استفاده شده است. به طور کلی نتایج تحقیق بیانگر وجود یک رابطه مثبت بین سرمایه‌گذاران نهادی و ارزش شرکت بوده و مؤید فرضیه نظارت کارآمد است. با این وجود نتایج تحقیق بیانگر عدم وجود رابطه معنادار بین تمرکز مالکیت نهادی و ارزش شرکت بوده و فرضیه همگرایی منافع را تأیید نمی‌کند.

تقوی و احدی سرکانی (۱۳۹۰) به بررسی رابطه متقابل رشد اقتصادی یا ساختار مالی و ساختار مالکیت دولتی و غیردولتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج تحقیق آنان نشان می‌دهد شرکت‌ها با افزایش تأمین مالی از طریق ایجاد بدهی، نتوانسته‌اند نقش مؤثری در رشد اقتصادی ایفا کنند. این نتایج مبین اهمیت تأمین مالی شرکت‌ها از طریق افزایش سرمایه و نقش مؤثر آن در فرآیند توسعه می‌باشد. به علاوه رابطه معنی‌داری بین ساختار مالکیت و رشد اقتصادی مشاهده نشده است.

غلامرضا کرمی (۱۳۸۹) به بررسی رابطه بین مالکین نهادی و محتوای اطلاعاتی سود پرداخته است. در این تحقیق نگرش‌های مختلفی (یعنی فرضیه نظارت فعال و فرضیه منافع شخصی) در مورد سرمایه‌گذاران نهادی مورد آزمون قرار گرفت. برای آزمون از دو مدل رگرسیون خطی چند گانه استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است، تعداد مالکیت نهادی سبب ارتقای محتوای اطلاعاتی سود شرکت نمی‌شود و ممکن است آن را تنزل نیز بخشد، حال آنکه سطح مالکیت نهادی محتوای اطلاعاتی سود را کاهش نمی‌دهد بلکه امکان دارد سبب افزایش آن نیز شود.

صابر شعری و محمد مرفوع به بررسی رابطه درصد اعضای غیر موظف در ترکیب اعضای هیأت مدیره و سرمایه‌گذاران نهادی به پیش‌بینی سود شرکت‌ها پرداختند. در این پژوهش رابطه دو سازوکار

حاکمیت شرکتی یعنی عضویت اعضای غیرموظف در ترکیب هیأت مدیره و مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی با دقت، سوگیری، به موقع بودن و دفعات تجدیدنظر در پیش‌بینی سود شرکت‌ها بررسی شده است. یافته‌های تحقیق بیانگر کم اهمیت بودن مدیران غیرموظف و سرمایه‌گذاران نهادی در اثرگذاری بر ویژگی‌های پیش‌بینی سود شرکت‌ها بوده است.

۲.۲. پیشینه خارجی پژوهش

بلکویی و پیکور^۵ (۲۰۱۲) با تقسیم شرکت‌ها به دو بخش صنایع محوری و پیرامونی این فرضیه‌ها را که شرکت‌های بخش محوری درجه هموارسازی کمتری را نسبت به شرکت‌های صنایع بخش پیرامونی نشان می‌دهند را آزمون کردند. آنها بیان داشتند که شرکت‌های بخش صنایع پیرامونی با فرصت‌های محدودتر و درجه بالاتری از عدم اطمینان روبرو هستند، به همین دلیل آمادگی و فرصت بیشتری نسبت به شرکت‌های بخش صنایع محوری برای هموارسازی جریان عملیاتی سود گزارش شده دارند.

آلبرجت و ریچاردسون^۶ (۲۰۱۱) مطالعه خود را روی هموارسازی سود بر اساس نگرش اقتصادی دو گانه قرار دادند. آنها سیستم تجاری کشورهای سرمایه‌ای را متشکل از دو بخش اقتصادی می‌دانستند و ارتباط بخش اقتصادی، اندازه شرکت و رفتار هموارسازی را مورد تحلیل و آزمون قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های بزرگتر نسبت به شرکت‌های کوچکتر توجه بیشتر تحلیل‌گران را به خود معطوف می‌دارند، به همین دلیل شرکت‌های بزرگتر شناخته شده‌تر هستند و در نتیجه نیاز کمتری به هموارسازی سود دارند.

چنی و جینر^۷ (۲۰۱۲) تاثیر اندازه شرکت اقلام تعهدی اختیاری بر هموارسازی سود را مورد آزمون قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های هموارساز نسبت به شرکت‌های غیر هموارکننده سود، شرکت‌های بزرگتری هستند بازده بیشتر و تعهدات اختیاری بزرگتری دارند و دارای نسبت بدهی بالاتری هستند. همچنین شرکت‌هایی که عملکرد ضعیفی دارند کمتر به هموارسازی سود می‌پردازند چون فرصت مناسبی برای هموارسازی ندارند.

کونت و همکاران^۸ (۲۰۱۱) بیان کردند که، مالکیت نهادی عمده شرکت، که نظارت بر شرکت را افزایش می‌دهد، استفاده متهورانه از آزادی عمل حسابداری را مهار می‌کند و همچنین نسبت سهامی که در مالکیت سهامداران نهادی می‌باشد، تعداد سرمایه‌گذاران نهادی شرکت، و نسبتی از هیئت-مدیره که از طرف سرمایه‌گذاران نهادی منسوب می‌شوند، میانگین اقلام تعهدی اختیاری و مدیریت سود را به طور معناداری کاهش می‌دهند.

نویسی و نیکر^۹ (۲۰۱۲) در تحقیقی به بررسی رابطه بین مالکیت نهادی و ارزش شرکت پرداختند. یافته‌های تحقیق آن‌ها حاکی از این می‌باشد که سرمایه‌گذاران نهادی انگیزه بیشتری برای نظارت بر مدیریت دارند. بنابراین حضورشان رابطه مثبت بر ارزش شرکت خواهد داشت ولی در سطوح بالای مالکیت، سرمایه‌گذاران نهادی ممکن است هیأت مدیره را به اخذ تصمیمات غیر بهینه ترغیب کنند.

۳. فرضیه‌های تحقیق

۱.۳. فرضیه اول

بین تمرکز مالکیت با هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۲.۳. فرضیه دوم

بین درصد مالکیت سهامداران اقلیت با هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۴. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، از نوع تحقیقات کاربردی بوده و با توجه به ماهیت موضوع، از لحاظ روش انجام پژوهش در زمره تحقیقات توصیفی و تحلیلی طبقه‌بندی می‌گردد، در تحقیق‌های توصیفی می‌توان ویژگی‌های جامعه مورد مطالعه را از طریق بررسی پیمایشی یا نظرسنجی ارزیابی نمود که شامل ارزیابی نگرش‌ها نسبت به پدیده مورد مطالعه است. در آن برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از روش میدانی و کتابخانه‌ای استفاده می‌شود. در مطالعه‌های میدانی هدف کشف روابط بین متغیرهای مورد مطالعه است، که در شرایط واقعی اتفاق می‌افتد و محقق در متغیرهای آن دخالت و تصرفی انجام نمی‌دهد و داده‌های پژوهش، ابتدا توصیف و به دنبال آن کشف و تبیین صورت می‌گیرد (خاکی، ۱۳۹۰، ۲۱۶). پژوهش حاضر بر مبنای اطلاعات جمع‌آوری شده از بورس اوراق بهادار تهران به بررسی صحت و سقم فرضیات و آزمون آن‌ها می‌پردازد و نتایج را به کل جامعه تعمیم داده می‌شود (استقرایی - قیاسی).

در این پژوهش هدف تعیین میزان ارتباط کمی بین هموارسازی سود به عنوان متغیرهای وابسته^{۱۰} و درصد تمرکز مالکیت و درصد مالکیت سهامداران اقلیت به عنوان متغیر مستقل^{۱۱} می‌باشد.

در این پژوهش از داده‌های ترکیبی استفاده شده است و برای آزمون فرضیه‌ها از نرم‌افزار آماری SPSS بهره برده می‌شود.

۵. جامعه آماری

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ است.

۱.۵. نمونه پژوهش

جهت انتخاب نمونه موردنظر، به معیارهای زیر توجه شده است:

۱. شرکت‌های که تاریخ پذیرش آن‌ها در بورس اوراق بهادار قبل از سال ۱۳۸۷ باشد.
۲. شرکت‌ها جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشند (شرکت‌های سرمایه‌گذاری به علت تفاوت ماهیت فعالیت با بقیه شرکت‌ها در جامعه آماری منظور نشدند)
۳. به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، پایان سال مالی شرکت ۲۹ اسفند باشد.
۴. به منظور همگن بودن اطلاعات، شرکت‌ها از نوع تولیدی باشد.
۵. اطلاعات مورد نیاز شرکت، در دوره مورد بررسی موجود باشد.
۶. داده‌های مورد نیاز در دسترس باشد.

با توجه به محدودیت‌های فوق، تعداد شرکت‌هایی که به منظور انجام این پژوهش از جامعه آماری مربوطه گرفته شده است ۷۵ شرکت می‌باشد و کلیه اطلاعات مورد نیاز، از طریق سایت‌های بورس اوراق بهادار تهران و نرم‌افزار ره‌آورد نوین استخراج شد. قلمرو مکانی پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بازار بورس اوراق بهادار تهران است. همچنین قلمرو زمانی پژوهش سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ می‌باشد.

۶. متغیرهای پژوهش

متغیرهای این پژوهش به منظور آزمون فرضیه‌ها، به دو گروه متغیر وابسته، و متغیرهای مستقل تقسیم‌بندی می‌شوند.

۱.۶. متغیر وابسته

در پژوهش حاضر متغیر وابسته «هموارسازی سود» می‌باشد، که جهت اندازه‌گیری هموارسازی

سود از شاخص ایکل استفاده می‌شود و بعد از اندازه‌گیری، شرکت‌ها به دو گروه شرکت‌هایی با سود هموار و شرکت‌هایی با سود غیرهموار تفکیک می‌شوند.

۱.۱.۶. هموارسازی سود

در ادبیات حسابداری عمل نزدیک کردن سود گزارش شده به سطح سود هدف، از طریق دستکاری انجام می‌شود، یکی از اهداف دستکاری سود هموارسازی آن است. بنابراین هموارسازی سود را می‌توان بخشی از مدیریت سود دانست. هموارسازی سود به عنوان اقدامی آگاهانه و عاملدانه برای کاهش تغییرها و نوسان‌های دوره‌ای سود گزارش شده یا سود مورد پیش‌بینی از طریق استفاده از روش‌های حسابداری در چارچوب اصول پذیرفته شده عمومی حسابداری تعریف شده است. در این پژوهش برای محاسبه هموارسازی سود از شاخص ایکل^{۱۲} (ایکل، ۲۰۱۲) بشرح زیر استفاده شده است:

$$CV\Delta I = \frac{CV\Delta I}{CV\Delta S}$$

در این مدل: ΔI : تغییرات سود در یک دوره، ΔS : تغییرات فروش در یک دوره، CV: ضریب تغییرات برای متغیر موردنظر، که از تقسیم انحراف معیار متغیر موردنظر بر میانگین همان متغیر بشرح زیر بدست می‌آید:

$$CV\Delta I = \frac{\sqrt{\frac{\sum(\Delta I_i - \bar{\Delta I})^2}{n-1}}}{\bar{\Delta I}}$$

$$CV\Delta S = \frac{\sqrt{\frac{\sum(\Delta S_i - \bar{\Delta S})^2}{n-1}}}{\bar{\Delta S}}$$

که در این مدل: CV: ضریب تغییرات

$\bar{\Delta I}$: میانگین سود

$\bar{\Delta S}$: میانگین فروش

هرگاه شاخص ایکل کمتر از یک باشد دستکاری سود یا به عبارت دیگر هموارسازی سود رخ

داده است.

$$\frac{CV\Delta I}{CV\Delta S} < 1$$

شاخص ایکل تغییرپذیری سود را با تغییر پذیری فروش مقایسه می‌کند. منطق اصلی بکار رفته در این فرمول به رفتار هزینه ثابت برمی‌گردد. به عبارت دیگر وجود هزینه ثابت باعث می‌شود تا در حالت عادی تغییرپذیری سود بیشتر از تغییرپذیری فروش باشد (کوچکی، ۱۳۹۲).

۲.۶. متغیرهای مستقل

۱.۲.۶. تمرکز مالکیت

تمرکز مالکیت به حالتی اطلاق می‌شود که میزان در خور ملاحظه‌ای از سهام شرکت به سهامداران عمده تعلق داشته باشد و نشان می‌دهد چند درصد سهام شرکت در دست عده محدودی قرار دارد. نتایج تحقیق مهدوی و میدری (۱۳۹۱) حاکی از آن است که تمرکز مالکیت در بازار اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۸۴ بسیار بالا بوده است. مهدوی و میدری (۱۳۹۰) معتقدند مقایسه شاخص‌های تمرکز مالکیت در بازار ایران و پنج کشور آمریکا، ژاپن، آلمان، چین و چک نشان می‌دهد که بازار سهام ایران دارای ساختار مالکیتی بسیار متمرکز است. بعلاوه در ایران نیز همچون کشور چک، تمرکز بیشتر مالکیت با کارایی بیشتر همراه بوده است. بعبارت دیگر کوچک کردن مالکیت تاثیر منفی بر کارایی دارد و بر همین اساس این دو محقق نتیجه گرفته‌اند که با توجه به فقدان نظام حمایتی از سهامداران اقلیت، اجرای طرح واگذاری مالکیت شرکت‌های دولتی به عموم (سهام عدالت) می‌تواند به کاهش تولید ناخالص داخلی و حتی توزیع ناعادلانه درآمد منجر شود. تحقیق انجام شده توسط ماه آورپور (۱۳۸۳) در ایران با نمونه‌ای ۵۸ تایی به بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۸۳ پرداخت. او به این نتیجه رسید که هر چه تمرکز مالکیت بیشتر باشد، کنترل بیشتری بر مدیران اعمال شده و موجب بهبود عملکرد شرکت‌ها می‌شود و ارتباط بین تمرکز مالکیت و معیار بازدهی بستگی به نوع مالکین و عوامل موثر بر بازدهی دارد.

جهت اندازه‌گیری فرضیه اول بین درصد سهامداران نهادی دولتی، درصد سهامداران نهادی خصوصی و درصد سهامداران اقلیت هر کدام که بیشترین سهم در شرکت را دارا بودند، تأثیر رابطه آن با هموارسازی سود، مورد آزمون قرار گرفته شده است.

۲.۲.۶. میزان مالکیت سهامداران اقلیت

برای محاسبه درصد مالکیت سهامداران اقلیت در هر شرکت، تعداد سهام سهامداران اقلیت (کمتر از ۵ درصد) اهم از دولتی و غیردولتی بر کل تعداد سهام عادی پایان دوره شرکت تقسیم شده است. برای اندازه‌گیری فرضیه چهارم با اینکه سهامداران اقلیت (به علت دارا بودن سهام کمتر از ۵ درصد) تأثیری بر هموارسازی سود ندارند، با این حال جهت ارتقاء سطح پروژة موردآزمون قرار گرفته است.

۷. روش‌های آماری مورد استفاده

در این تحقیق ابتدا نمونه آماری از بین جامعه آماری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بر اساس شرایط ویژه‌ای که در بخش جامعه و نمونه آماری ذکر شد، انتخاب گردید و سپس به منظور آزمون فرضیات از ضریب همبستگی استفاده خواهد شد. همچنین برای تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیه‌های آماری پژوهش از نرم‌افزارهای Spss استفاده خواهد گردید.

۸. تحلیل آمار فراوانی متغیرهای کیفی پژوهش

این پژوهش دارای ۲ متغیر کیفی (سود همواره‌کننده و غیرهمواره‌کننده) می‌باشد که با استفاده از آنها در صدد آزمون فرضیه‌ها می‌باشیم. در نهایت با استفاده از شاخص ایکل لیست نمونه آماری مشخص شد که سود شرکت هموار است یا غیرهموار.

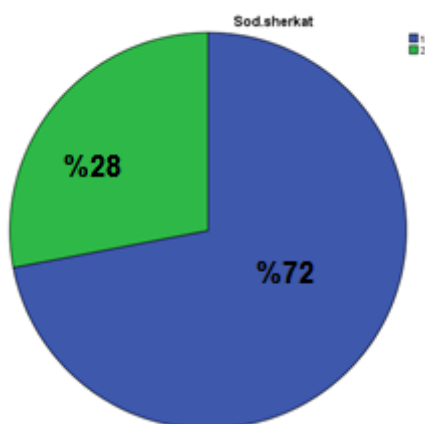
نگاره‌ی (۱): جدول فراوانی شرکت‌ها همواره‌کننده سود و غیرهمواره‌کننده

نوع شرکت از لحاظ سود	فراوانی (تعداد)	درصد
همواره‌کننده سود	۵۴	٪۷۲
غیرهمواره‌کننده سود	۲۱	٪۲۸
کل شرکت‌های آماری	۷۵	۱

نمودار دایره‌ای، نوع شرکت از لحاظ هموارکننده یا غیرهموارکننده

رنگ آبی: هموارکننده سود

رنگ سبز: غیر هموارکننده سود



شکل ۱: نمودار دایره‌ای شرکت‌های هموارکننده سود و غیرهموارکننده سود.

۹. تحلیل توصیفی متغیرهای کمی پژوهش

۱.۹. مالکیت اقلیت

این متغیر به عنوان متغیر کمی پژوهش ایفای نقش می‌کند که میانگین میزان مالکیت اقلیت طی دوره زمانی تحقیق که از ابتدای سال ۱۳۸۷ تا انتهای سال ۱۳۹۱ می‌باشد را در نظر گرفته‌ایم. (لیست شرکت‌ها به پیوست می‌باشد).

جدول ذیل که شامل آماره توصیفی مربوط به داده‌های مالکیت اقلیت طی بازده زمانی مورنظر می‌باشد.

نگاره‌ی (۲): تحلیل توصیفی متغیر مالکیت نهادی بخش دولتی

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	واریانس	دامنه تغییرات	چولگی	کشی‌دگی
مالکیت اقلیت	۰/۲۲۴۰	۰/۱۴۶۰۱	۰/۰۲۱	۰/۷۴	۱/۳۱۹	۲/۴۵۹

۱۰. آزمون نرمال بودن متغیرها

جهت نرمال بودن متغیرهای این پژوهش از آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف (KS) استفاده شده است. این آزمون جهت بررسی نرمال بودن توزیع داده‌های یک متغیر کمی مورد استفاده قرار می‌گیرد،

که با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام می‌شود. برای بررسی ادعای نرمال بودن متغیر خاص به صورت زیر اقدام می‌کنیم.

$$\begin{cases} H_0: \text{توزیع متغیر انتخابی نرمال است} \\ H_1: \text{توزیع متغیر انتخابی نرمال نیست} \end{cases}$$

حال با توجه به خروجی حاصل از نرم‌افزار SPSS می‌توان نرمال بودن توزیع متغیر انتخابی را تشخیص داد. اگر sig کمتر از ۰.۰۵ باشد H_0 رد شده و ادعای نرمال بودن متغیر انتخابی پذیرفته نمی‌شود.

در صورتی که توزیع داده‌های یک متغیر به صورت نرمال باشد، از ضریب همبستگی پیرسون برای آزمون همبستگی بین دو متغیر کمی استفاده می‌شود. و در صورت غیرنرمال بودن متغیرها، از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده می‌کنیم (آذر و مومنی، ۱۳۸۳).

در نگاره‌ی (۳): نتایج آزمون نرمال بودن متغیرها

ردیف	متغیرها	نوع آزمون	سطح معنی‌داری (Sig)	نرمال بودن	آمار استنباطی
۱	سود شرکت	آزمون K-S	۰/۰۰۱	غیرنرمال	ضریب همبستگی پیرسون
۲	تمرکز مالکیت	آزمون K-S	۰/۰۰۴	غیرنرمال	ضریب همبستگی اسپیرمن
	مالکیت اقلیت	آزمون K-S	۰/۰۱۹	غیرنرمال	ضریب همبستگی اسپیرمن

۱.۱ آزمون فرضیه‌ها

برای آزمون بین متغیرهای این پژوهش از تحلیل همبستگی استفاده می‌شود زیرا در این پژوهش به دنبال اثبات رابطه بین دو متغیر هستیم. تحلیل همبستگی ابزار آماری برای تعیین نوع و درجه رابطه دو متغیر با همدیگر است که از طریق آن می‌توان شدت و نوع رابطه (مستقیم یا معکوس) مشخص نمود که این ضریب بین +۱ و -۱ می‌باشد و در صورت عدم وجود رابطه بین دو متغیر برابر صفر است.

نتایج حاصل از فرضیه‌های این پژوهش، با استفاده از نرم‌افزار SPSS محاسبه شده است.

۱.۱.۱ آزمون فرضیه اول

فرضیه اول: ارتباط معنی‌داری میان تمرکز مالکیت و هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد.

با توجه به مقیاس متغیرها و نوع توزیع آنها، برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده می‌گردد. نتایج حاصل از آزمون اسپیرمن که با استفاده از نرم‌افزار SPSS محاسبه شده، در جدول ۴ ارائه شده است.

نگاره‌ی (۴): آزمون همبستگی پیرسون برای فرضیه اول

هموارسازی سود	نام متغیر	
۰/۰۶۴	همبستگی اسپیرمن	تمرکز مالکیت
۰/۵۸۶	سطح معنی‌دار	
۷۵	تعداد	

همان‌طور که جدول نشان می‌دهد در سطح $\alpha = 0/05$ بین تمرکز مالکیت و هموارسازی سود رابطه وجود ندارد. چون سطح معنی‌داری $\text{sig} \geq 0/05$ است. بنابراین هموارسازی سود به عوامل دیگری بستگی دارد.

۲.۱۱. آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم: ارتباط معنی‌داری میان نسبت درصد سهامداران اقلیت مهم از دولتی و خصوصی و هموارسازی سود وجود دارد.

با توجه به مقیاس متغیرها و نوع توزیع آنها، برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده می‌گردد. نتایج حاصل از آزمون اسپیرمن که با استفاده از نرم‌افزار SPSS محاسبه شده، در جدول ۵ ارائه شده است.

نگاره‌ی (۵): آزمون همبستگی پیرسون برای فرضیه دوم

هموارسازی سود	نام متغیر	
۰/۰۳۸	همبستگی اسپیرمن	سهامداران اقلیت
۰/۷۴۶	سطح معنی‌دار	
۷۵	تعداد	

همان‌طور که جدول نشان می‌دهد در سطح $\alpha = 0/05$ بین مالکیت اقلیت و هموارسازی سود رابطه وجود دارد. چون سطح معنی‌داری $\text{sig} < 0/05$ است. بنابراین ارتباط معنی‌داری میان نسبت درصد سهامداران اقلیت اعم از دولتی و خصوصی و هموارسازی سود وجود دارد.

۱۲. نتیجه‌گیری

در این پژوهش رابطه بین تمرکز مالکیت و نسبت درصد سهامداران اقلیت اعم از دولتی و خصوصی و هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره پنج ساله ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ مورد بررسی قرار گرفت.

هموارسازی سود را می‌توان اقدامی آگاهانه و عامدانه جهت کاهش نوسانات سود گزارش شده در طول دوره‌های مالی در حول سطحی از سود که سطح سود عادی (نرمال) سود شرکت نامیده می‌شود، تعریف کرد. یکی از اشکال مدیریت سود، هموارسازی سود می‌باشد که توجه زیادی را در ادبیات حسابداری به خود جلب کرده است. در این پژوهش برای محاسبه هموارسازی سود از شاخص ایکل استفاده شده است.

بررسی ساختار مالکیت شرکت‌های عضو بورس و مشخص نمودن ارتباط کارایی و ساختار مالکیت تأثیر مستقیم بر رشد و توسعه و بهره‌وری کل اقتصاد دارد؛ زیرا کارا بودن شرکت‌های عضو بورس یکی از اجزای اصلی اقتصاد هر کشوری است که موجب کارایی اقتصاد و استفاده بهینه از منابع و واقعی بودن روند سود می‌شود که موجب رشد و توسعه اقتصادی خواهد شد. افزایش سودآوری موجب دریافت سود بیشتری توسط سهامداران اقلیت می‌شود، بنابراین می‌توان رابطه‌ای بین این سهامداران و تمرکز مالکیت با سود و هموارسازی آن در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران یافت. نتایج فرضیات این تحقیق نشان داد که بین تمرکز مالکیت و هموارسازی سود رابطه معنی‌داری وجود نداشت و بین نسبت درصد سهامداران اقلیت اعم از دولتی و خصوصی با هموارسازی سود رابطه معنی‌داری وجود دارد.

تمرکز مالکیت به حالتی اطلاق می‌شود که میزان در خور ملاحظه‌ای از سهام شرکت به سهامداران عمده تعلق داشته باشد و نشان می‌دهد چند درصد سهام شرکت در دست عده محدودی قرار دارد. نتایج تحقیق مهدوی و میدری (۱۳۹۰) حاکی از آن است که تمرکز مالکیت در بازار اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۹۰ بسیار بالا بوده است.

در ایران طبق پژوهش جداگانه روح پرور (۱۳۹۰) و استا (۱۳۹۰) نشان می‌دهد که رابطه منفی معنی‌دار بین مالکیت نهادی و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران وجود دارد، که با نتایج پژوهش حاضر مغایرت دارد.

۱۳. محدودیت‌های پژوهش

علاوه بر محدودیت‌های ذکر شده به عنوان مشخصات نمونه آماری پژوهش، شایان ذکر است

که نتایج حاضر تحت تأثیر صحت اطلاعات موجود در صورت‌های مالی شرکت‌های مورد پذیرش در بورس تهران به ویژه یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی می‌باشد، این درحالی است که به نظر می‌رسد به طور نسبی در یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی شرکت‌های مذکور، بر مبنای استانداردهای حسابداری ایران، افشاء و طبقه‌بندی کامل و مناسبی از اجزای سود صورت نمی‌گیرد و حتی برخی اصول و رویه‌های موجود در این رابطه، توسط شرکت‌ها به طور صحیح، کامل و یکنواخت به کار گرفته نمی‌شود.

اقلام درج شده در متن صورت‌های مالی، به واسطه آثار تورم، تعدیل نشده است و از آن جایی که زمان تأسیس واحدهای تجاری، متفاوت است و واحدهای مذکور، اقلام دارایی‌های خود را در زمان‌های مختلف تحصیل کرده‌اند، کیفیت قابل مقایسه‌ای اقلام، می‌تواند بر نتایج پژوهش تأثیر بگذارد و تعمیم نتایج را با محدودیت‌هایی همراه کند. به علاوه برای انتخاب نمونه‌های آماری فقط دولت و نهادهای وابسته به آن که مستقیماً سرمایه‌گذار بودند انتخاب گردیده و غیرمستقیم‌ها در نظر گرفته نشده است.

۱۴. پیشنهادهای کاربردی پژوهش

با توجه به نتایج حاصل از این تحقیق و مشخص شدن تأثیر سهامداران اقلیت بر هموارسازی سود، پیشنهاد می‌شود که سرمایه‌گذاران در هنگام اخذ تصمیمات خرید و فروش بجز ترکیب سهامداران اقلیت به عنوان یکی از متغیرهای تصمیم به عوامل دیگری مانند مالکیت مدیریتی، مالکیت حقوقی، قیمت سهام و همچنین نرخ سودآوری و درصد اعضای غیرموظف نیز توجه کنند.

۱. به استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی در هنگام مطالعه صورت‌های مالی شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود که نقش نظارتی فعال یا غیرفعال طبقات مختلف مالکیت را بر هموارسازی سود، مورد توجه قرار دهند و تدابیری اندیشیده شود تا زمینه ورود بیشتر آن‌ها در معاملات سهام جهت افزایش شفافیت قیمت سهام و اطلاعات مالی فراهم شود.

۲. با توجه به نتایج فرضیه‌های پژوهش، سرمایه‌گذاران نهادی باید نقش فعال‌تری را در زمینه نظارت ایفا کنند و به همسو شدن منافع مدیران و سهامداران کمک کنند.

۳. سازمان‌های بورس اوراق بهادار، نظام منسجمی را به منظور ارزیابی کیفیت حاکمیت شرکتی در مورد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اعمال کنند و اطلاعات نظام حاکمیت شرکتی، از طریق یادداشت‌ها یا سایر ابزارها، به میزان بیشتری افشاء گردد تا استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، اطمینان کسب کنند که به اطلاعات با کیفیت دست یافته‌اند.

۱۵. پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

با توجه به نتایج پژوهش برای اطمینان بیشتر به موضوع پژوهش می‌توان پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی مطرح نمود، همچنین پس از انجام این پژوهش پرسش‌های متعددی درباره موضوع حاکمیت شرکتی و ساختار مالکیت به ذهن استفاده‌کننده متبادر می‌شود، این پرسش‌ها می‌تواند به شکل پرسش یا فرضیه، زمینه پژوهش‌های آینده قرار گیرد که برخی از آن‌ها به شرح زیر می‌باشد:

۱. بررسی اثر حاکمیت شرکتی با استفاده از شاخص جامع حاکمیت بر کیفیت گزارشگری مالی

۲. تأثیر ساختار مالکیت بر حاکمیت شرکتی

۳. بررسی رابطه هموارسازی سود و نقدشوندگی سهام

و همچنین در این پژوهش نقش مالکیت سهامداران اقلیت، دولتی و خصوصی فقط در شرکت‌های مورد پذیرش در بورس تهران مورد آزمون قرار گرفته است، بنابراین پیشنهاد می‌شود، جهت سرمایه‌گذاری بهتر، ارتباط ساختار مالکیت با هموارسازی سود در صنایع مختلف نیز بررسی شود.

یادداشت‌ها

- | | |
|-----------------------------------|-------------------------------------|
| 1. ownership structure | 7. Chaney Paul K and Debra C. Jeter |
| 2. Velury and Jenkins | 8. cornet, et al |
| 3. henderixen | 9. Navissi and Naiker |
| 4. wild | 10. Dependend Variable |
| 5. Belkai and picur. | 11. Independend Variable |
| 6. Albrecht, W. D. and Richardson | 12. Eckel norm |

منابع و ماخذ

۱. حساس یگانه، یحیی، رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت‌ها، فصلنامه علوم مدیریت ایران ۱۳، ۴، ۱۳۹۲، ۱۰۰-۷۵
۲. مهرانی، کاوه، بررسی هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی ۱۵، ۵۱، ۱۳۹۰، ۵۶-۳۷
۳. مشایخی، ب و دیگران، ۱۳۹۱، «نقش اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال دوازدهم، شماره ۴۲.
۴. آذر، عادل و مومنی، منصور، آمار و کاربرد آن در مدیریت، تهران، ۷۸۳۰، جلد ۷ و ۶

۵. استاد، سهراب، بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و مدیریت سود، مجله پژوهش‌های حسابداری ۷۸۳۰، ۳۸-۷۰۲
۶. اعتمادی، حسین، جوادی مزده، محمدعلی، عوامل مؤثر بر ارتباط بین هموارسازی سود و سودآوری شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران، کتابنامه علمی، ۷۸۳۳، ۷۷۶-۷۷۲
۷. ایزدی‌نیا، ناصر، رسائیان، امیر، رضایی، علی‌اصغر، بررسی رابطه هموارسازی سود با ابزارهای حاکمیت شرکتی و نقدشوندگی سهام، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری، ۷۸۳۷، ۱۳-۷۸
۸. باباجانی، جعفر، حسابداری و کنترل‌های مالی دولتی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ ششم، ۷۸۳۳
۹. بادآور نهدی، یونس، بررسی تاثیر ساختار مالکیت و سرمایه بر میزان هموارسازی سود، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری ۷۸۳۳، ۳۱-۱۷
۱۰. پاکرو، لقمان، حاکمیت شرکتی از تئوری تا عمل، منتشر شده در وب سایت پروژه دات کام، ۸، ۲، ۷، ۶، ۷۸۳۸ حساس یگانه، یحیی، رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت‌ها، فصلنامه علوم مدیریت ۷۰۰-۱۷، ۷۸۳۳، ۱، ۷۸
۱۱. دموری، داریوش، عارف‌منش، زهره، عباسی موصول، خلیل، بررسی رابطه بین هموارسازی سود، کیفیت سود و ارزش شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله پژوهش‌های حسابداری ۷۱-۸۳، ۷۸۳۳، یلام
۱۲. ملانظری، مهناز، بررسی ارتباط بین هموارسازی سود با اندازه شرکت و نوع صنعت، بررسی‌های حسابداری و ۷۰۰-۳۸، ۷۱، ۷۸۳۷، ۱۱، ۷۱
۱۳. مهرانی، کاوه، بررسی هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران، بررسی‌های حسابداری و ۷۲-۸۱

14. Albrecht, W.D., & Richardson, F.M, Income smoothing by economy sector. Journal of Business Finance and Accounting 2011, 7(5), 713-730. a.
15. Belkai and picur, Factors affecting income smoothing among listed companies in Singapore. Accounting and Business Research 2012, 24(96), 291-301.
16. Chaney Paul K and Debra C. Jeter, Income smoothing, earnings quality and revaluation. Journal of Business Finance and Accounting 2012, 32(9), 1525-1557. a.
17. cornet, et al, Corporate Governance Problems in Transition Economies. WinstonSalem: Wake Forest University 2011 (Social Science Research Seminar), 35(14), 1685-1579.

18. Eckel, N, The income smoothing hypothesis revisited. *Abacus* 2012, 17(1), 28-40.
20. Gordon, M. J, Postulates, Principles and Research in Accounting. *The Accounting Review* 1964, 251 -63.
19. henderixen, The modern corporation and private property. Nova Iorque: McMillan2012, 36 (5), 142-165.
20. Velury and Jenkins, R, Income Smoothing: The role of management. *The Accounting Review* 2012, 98 (4), p. 653-667.
21. wild, Market perception of income smoothing practices: Malaysian evidence. *Journal of Economics and Finance* 2013, 26 (2), 132-146.